



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

خبرنامه اطلاع رسانی داخلی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
ویژه نامه ولادت امام زین العابدین (ع)



ولادت امام زین العابدین

ایمان و سید بن طاووس



مناقب و فضایل امام سجاد(ع) به روایت علمای

شیعه و سنی

شیعیان، تنها گروهی از مسلمانان نیستند که شیفته شخصیت و سیره علمی و عملی امام سجاد(ع) هستند؛ کتاب‌های علمای مشهور اهل سنت نیز، مشحون از توصیف سجایای اخلاقی و عبادی امام زین العابدین(ع) است. «ابی نعیم اصفهانی»، محدث شهیر اهل سنت، از امام سجاد(ع) با عبارت «زین العابدین و منار القانتین، کان عابداً و فیاً و جواداً حفیاً» یاد می‌کند (حلیة‌الاولیاء؛ ص ۱۳۳) و «محمد بن احمد ذهبی» درباره آن حضرت می‌نویسد: «به راستی، که به سبب شرافت، دانش، معرفت و اندیشه بی مانندش، شایسته امامت و رهبری بود.» (سیر اعلام النبلاء؛ ۳۹۸) بی تردید، این سجایای والای اخلاقی و انسانی، در کنار دعاهای روحبخش و سرشار از آموزه‌های ناب اسلامی، نقش مهمی در گسترش آموزه‌های راستین دینی و احیای اخلاق اسلامی، در دوران پرخاشگری اموی داشت.

شخصیت امام زین العابدین(ع) در آثار مورخان

جهان اسلام

«فَرَزْدَقُ»، شاعر معروف عرب، در قصیده‌ای که شهرت فراوانی دارد، به بیان گوشه‌ای از ابعاد شخصیت بی بدیل امام زین العابدین(ع) می‌پردازد و می‌سراید: «هذا الذی تعرف البطحاء و طأته * و البیت یوفه و الحَل و الحرم / هذا ابن خیر عبادا... کَلِمَهُ * هذا التقی النقی الطاهر العلم / هذا ابن فاطمه، ان کنت جاهله * بجده انبیا... قد خُتموا / و لیس قولک من هذا بضائه * العرب تعرف من انکرت و العجم / کلتایدیه غیاث عم نفعهما * تُستَو کفان ولا یعروهما عدم؛ او که تو نمی‌شناسی، همان کسی است که سرزمین بطحا جای گام‌هایش را می‌شناسد و کعبه و حَل و حرم در شناختن او، همدم و همقدمند / او فرزند بهترین تمامی بندگان خداست؛ او همان شخصیت میرا از هر آلودگی و زشتی و پیراسته از هر عیب و علت و میرا از هر تهمت و کاستی و کوه بلند علم و فضیلت و خورشید عظیم هدایت است / او فرزند فاطمه(س) است؛ اگر تو نسبت به نسب او جهل داری بدان که او همان کسی است که با جدش، سلسله انبیا ختم شده است / این که گفتی: این کیست؟ باعث کاستن از عظمت و جلوه جلال و شکوه شخصیت او نمی‌شود، زیرا، آن کسی که تو او را نمی‌شناسی، عرب و عجم هر دو او را به خوبی می‌شناسند / هر دو دستش ابری فیاض و رحمت گستر است که باران فیض را فرو می‌بارد و جود و عطایش، هیچ‌گاه کاستی نمی‌پذیرد.

(حلیة‌الاولیاء؛ ۱۳۹) ظاهراً «فرزدق» این قصیده شورانگیز را در پاسخ به بی‌احترامی «هشام بن عبدالملک» نسبت به امام سجاد(ع)، در مسجد الحرام، سروده است. «ابن عماد»، محدث و عالم حنبلی، پس از آوردن شعر «فرزدق» در کتابش، می‌نویسد: «هنگامی که هشام این قصیده را

شنید، بر آشفت و فرزدق را زندانی کرد. علی بن حسین(ع)، ۱۲ هزار درهم [به عنوان صلّه] برای فرزدق فرستاد، اما او نپذیرفت و گفت: من به خاطر خداوند مدح‌گفتم و پاداشی طلب نمی‌کنم. امام زین العابدین(ع) به او پیغام داد: ما اهل بیت، زمانی که مالی را به کسی بخشیدیم، باز نمی‌ستانیم. آنگاه فرزدق صلّه علی بن حسین(ع) را پذیرفت. «شذرات الذهب؛ ص ۶۱» «شهاب زهری»، محدث مشهور اهل سنت، که روزگاری در مدینه، از امام علی بن حسین(ع) روایاتی فرا گرفته و محضر آن حضرت را درک کرده بود، هرگاه سخنی درباره امام سجاد(ع) می‌شنید، می‌گریست و می‌گفت: «او سرور و پیشوای عبادت‌کنندگان است.» (حلیة‌الاولیاء؛ ص ۱۳۵) «زهری» بارها گفته بود که «کسی از اهل بیت پیامبر(ص) را نمی‌شناسد که برتر از علی بن حسین(ع) باشد.» (کشف الغمه؛ ص ۸۶) «محمود بن عمر زمخشری»، محدث و عالم معتزلی، در کتاب خود از معرفت و عبادت امام سجاد(ع) بسیار سخن گفته است. «زمخشری» می‌نویسد که شبی امام(ع) برای اقامه نافله شب برخاست و دست خود را برای وضو در آب فرو برد، «ثم رفع رأسه إلی السماء و القمر و الکواکب، ثم جعل یفکر فی خلقها حتی أصبح و أذن المؤذن و یده فی الماء؛ سپس سرش را به سوی آسمان و ماه و ستارگان بلند کرد و در آفرینش آنها به تفکر پرداخت تا آن که صبح شد و مؤذن ندای اذان را سر داد، در حالی که دست آن حضرت هنوز در آب بود.» (ربیع‌الابرار؛ ص ۱۰۸)

فریادرس محرومان

«ابن شهر آشوب ساروی» روایتی از امام صادق(ع) نقل کرده است که فرموده‌اند: «هنگامی که امام سجاد(ع) به عبادت می‌ایستاد، کسی مانند او نبود. رنگ چهره‌اش به

سبب شب‌زنده‌داری پریده و چشم‌هایش از شدت گریه سرخ شده، پایش به سبب ایستادن در محراب ورم کرده بود و بر پیشانی مبارکش، آثار سجده دیده می‌شد. هر کس او را به این حال می‌دید، متأثر می‌شد و می‌گریست.» (المناقب؛ ص ۱۴۹) با این حال، این کثرت عبادت، آن حضرت را از احوال بندگان خدا غافل نمی‌کرد. رسیدگی به محرومان و فقرا، یکی از بخش‌های مهم زندگی امام سجاد(ع) بود. «ابی نعیم اصفهانی» می‌نویسد: «لما مات علی بن الحسین، فغسلوه، جعلو ینظرون الی آثار سواده، بظهره. فقالو: ما هذا؟ فقیل: کان یحمل جرب الدقیق لیلا علی ظهره، یعطیه فقراء اهل المدینه؛ هنگامی که امام سجاد(ع) به شهادت رسید، در زمان غسل دادن پیکر مطهرش، آثار کبودی بر پشتش و شانهاش دیدند. پرسیدند: این‌ها چیست؟ گفتند: او شبانگاه کیسه‌های غذا و آرد را بر پشتش حمل می‌کرد و آنها را به فقرای شهر مدینه می‌داد.» (حلیة‌الاولیاء؛ ص ۱۳۶) «ذهبی» نیز، در کتاب خود به این برنامه همیشگی امام زین العابدین(ع) اشاره می‌کند و به نقل از «محمد بن اسحاق» می‌نویسد: «گروهی از مردم فقیر مدینه، با غذاهایی روزگار می‌گذراندند که نمی‌دانستند از کجا می‌آید. پس از شهادت امام سجاد(ع) فهمیدند که آن حضرت شب‌هنگام برای آنها غذا می‌آورده است.» (سیر اعلام النبلاء؛ ص ۳۹۳) او از «عمرو بن ثابت» نقل می‌کند که گفت: «هنگامی که علی بن حسین به شهادت رسید، آثار کیسه‌های آرد و غذایی که شب‌ها برای فقرا می‌برد، بر پشتش یافتیم.» (همان) «ابی نعیم اصفهانی» از «ابو حمزه ثمالی» نقل کرده است: «علی بن حسین(ع)، شبانه، بر پشتش کیسه‌های آرد را حمل می‌کرد و آنها را صدقه می‌داد و می‌فرمود: صدقه ای که در خفا داده شود، خشم پروردگار را فرو می‌نشاند.» (حلیة‌الاولیاء؛ ص ۱۳۵)

دفاع از حقوق مردم

امام سجاد(ع) خود را برتر از دیگران نمی‌دانست. آن حضرت با محرومان و بردگان نشست و برخاست می‌کرد و آن را عملی می‌دانست که رضایت خداوند را در پی دارد. «ذهبی» می‌نویسد: «علی بن حسین(ع) با مرکبش از مکه خارج شد و در راه، همنشین برده‌ای به نام أسلم بود. به او گفتند: قریش تو را دعوت کرده است و تو با غلامی از بنی‌عدی می‌نشینی. آن حضرت فرمود: مرد با کسی همنشین می‌شود که برای او منفعتی [رضای خدا] در پی داشته باشد.» (سیر اعلام النبلاء؛ ص ۳۸۸) امام سجاد(ع) در پاسخ به طعنه بدخواهان به ایشان، به دلیل همنشینی با محرومان، فرمودند: «خداوند هر پستی را با اسلام به بلندی تبدیل و هر نقصی را با آن کامل و هر لثیمی را در پرتو آن کریم کرد. پس هیچ فرد مسلمانی پست نیست و جز جاهلیت را پستی نتوان نامید.» (الکافی؛ ص ۳۴۵) امام زین‌العابدین(ع)، هرگز از جایگاه اجتماعی و وابستگی نسبی به رسول خدا(ص)، به سود خود استفاده نکرد. بسیار پیش می‌آمد که در سفرها و به ویژه سفر حج، نام و نسب خود را از کاروانیان پنهان می‌کرد و به خدمت همسفرانش مشغول می‌شد. «رسول جعفریان» در این باره می‌نویسد: «در مسافرت نسبش را از همراهان پنهان می‌کرد. از ایشان سؤال شد: ما بالک اذا سافرت کتمت نسبک اهل الرقعه؟ [چرا نسبَت را از همسفرانت پنهان می‌کنی؟] آن حضرت فرمود: آکره ان اخذ برسول... ما لا أعطی مثله؛ دوست ندارم به نام رسول خدا چیزی را بگیرم که نمی‌توانم مانند آن را به دیگری بدهم... جویریة بن اسماء می‌گوید: ما أكل علی بن الحسین من قرابته من رسول... درهماً، او از بابت خویشی خود با رسول خدا صلی... علیه و آله درهمی استفاده نکرد.» (حیات فکری

و سیاسی امامان شیعه(ع)؛ ص ۲۶۴) امام(ع) برای حقوق مردم، ارزش فراوانی قائل بود. «ذهبی» می‌نویسد: «هنگامی که علی بن حسین، سواره در مدینه حرکت می‌کرد، به هیچ کس نمی‌گفت: راه بده... راه بده! و می‌فرمود این راه مشترک است و من نمی‌توانم احدی را از عبور از آن نهی کنم.» (سیر اعلام النبلاء؛ ص ۳۹۸)

صریح با فریب‌خوردگان و گمراهان

سیره امام سجاد(ع)، در دورانی که حاکمیت فاسد اموی در پی خشکاندن ریشه‌های اخلاق اسلامی بود، عطر خوش مکارم اخلاق را در فضای محنت زده جامعه، می‌پراکند و دل‌ها را به سوی خود می‌کشاند. آن حضرت، در شرایطی که مردم، ظرفیت خود را برای دریافت و پذیرش آموزه‌های ناب اسلامی، رفته رفته از دست می‌دادند، با ابزار دعا به میدان آمد و قلب‌های زنگار گرفته را با یاد خداوند و بیان حقیقت دین، صیقل داد؛ با این وجود، هرگاه فرصتی پیش می‌آمد، با کسانی که در پی ضربه زدن به معارف دینی بودند، نیز بی‌پرده سخن می‌گفت. نامه امام سجاد(ع) به «شهاب زُهری»، محدث مشهور اهل سنت که مدتی را نزد امام(ع) به فراگیری احادیث گذرانده بود، یکی از این مواضع بی‌پرده است که امام(ع)، پس از پیوستن «زُهری» به دربار اموی و همکاری با حاکمان ستم‌پیشه، خطاب به او نوشت. امام سجاد(ع) در بخشی از این نامه می‌نویسد: «خدا، ما و تو را از فتنه‌ها حفظ کند و تو را از [گرفتاری به] آتش [دوزخ] حفظ کند، تو در حالتی قرار گرفته‌ای که هر کس این حالت تو را بشناسد، شایسته است به حال تو ترحم کند. نعمت‌های گوناگون خدا بر تو سنگینی کرده است، خداوند بدن تو را سالم و عمرت را طولانی کرده است و چون خداوند تو را حامل علوم قرآن

و فقیه و آشنا به احکام دین و عارف به سنت پیامبر(ص) قرار داده، حجت او بر تو تمام شده است. ببین فردا که در پیشگاه خدا ایستادی و خداوند از تو پرسید که شکر نعمت‌های او را چگونه گزاردی و در برابر حجت‌های او چگونه به وظایف خود عمل کردی، وضع تو چگونه خواهد بود؟ گمان نکن که خداوند عذر تو را خواهد پذیرفت و از تقصیرت در خواهد گذشت، هرگز! خداوند در کتاب خود از علما پیمان گرفته است که حقایق را برای مردم بیان کنند... بدان! کمترین چیزی که کتمان کردی و سبک‌ترین چیزی که بر دوش گرفتی، این است که وحشت ستمگر را به آرامش تبدیل کردی و چون به او نزدیک شدی و هر بار تو را دعوت کرد، اجابت کردی؛ راه گمراهی را برای او هموار کردی. چقدر می‌ترسم که در اثر گناهانت، فردا جایگاهت با خیانتکاران یکی باشد و به خاطر آنچه به ازای همکاری با ستمگران به چنگ آورده‌ای، بازخواست شوی. چیزهایی که حق تو نبود، وقتی به تو دادند، گرفتی و به شخصی نزدیک شدی که هیچ حقی را به کسی باز نگردانده است. هنگامی که او تو را به خود نزدیک کرد، هیچ باطلی را برطرف نکردی و کسی را که دشمن خداست، به دوستی برگزیدی. آیا چنین نبود که وقتی او تو را دعوت و مقرب خود کرد، [حاکمان] از تو محوری ساختند که سنگ آسیاب مظلوم‌هایشان، برگرد آن می‌چرخد و تو را پلی قرار دادند که از روی آن، به سوی کارهای خلافشان عبور می‌کنند و نردبانی ساختند که از آن به بام گمراهی و ضلالتشان بالا می‌روند؟ تو [مردم را] به سوی گمراهی آنان دعوت و راه آنان را طی می‌کنی. آنان به وسیله تو، در علما ایجاد شک و دل‌های جاهلان را به سوی خود جذب کردند. هوشیار و بیدار باش که به این وسیله به تو اعلام خطر شد، [و در جهت اصلاح] گام بردار که [فعلاً] به تو مهلت داده شده است. آیا نمی‌بینی که چقدر در نادانی و غرور فرو رفته‌ای و مردم چقدر در گرفتاری و فتنه به سر می‌برند؟! تو آنان را گرفتار کردی و مردم با دیدن وضع و موقعیت تو، دستاوردهای خود را نادیده گرفته، شیفته مقام و منصب تو شدند و دل‌هایشان مشتاق است که به رتبه علمی تو نایل شوند یا به مقام و منصب تو برسند و به این ترتیب، در اثر رفتار و حرکت تو، در دریایی [از گمراهی] سقوط کردند که عمق آن ناپیداست و به گرفتاری دچار شدند که ابعاد آن نامعلوم است. خدا به داد ما و تو برسد که او فریاد رس [درماندگان] است. اینک، از تمام منصب‌ها و ستم‌های خود کناره‌گیری کن، تا به پاکان و صالحان پیشین پیبندی؛ آنان که اینک، در کفن‌های پوسیده در آغوش خاک خفته‌اند، شکم‌هایشان به پشت‌هایشان چسبیده است، بین آنها و خدا هیچ حجاب و حایلی نیست، دنیا آنان را فریب نمی‌دهد و آنان شیفته دنیا نمی‌شوند.» (سیره پیشوایان؛ ص ۲۹۱)

